

معرفی یک پلاک پارتی

مهناز رحیمی فر

مقدمه

آثار و مدارکی که در طی کاوشهای باستان‌شناسی بدست می‌آیند، ما را از ویژگیهای فرهنگی، اعتقادی، سنتها و آئین‌های رایج در میان مردم نواحی مختلف در دوره‌های متفاوت آگاه می‌سازند.

شوش یکی از مناطق مهم باستانی است، که آثار بیشماری را از کهن‌ترین ایام، در خود جای داده است. در بین این آثار، اشیائی که از گل پخته ساخته شده‌اند، از تعداد قابل توجهی برخوردار می‌باشند. برخی از آنها پلاکهای دایره‌ای، بیضی، و مستطیل شکل می‌باشند که در قسمت میانی آنها نقش برجسته‌ای با روش قالبگیری ایجاد شده است.

استفاده از این گونه پلاکهای گلی، از دوران مختلف رایج بوده است. در بین آثار ایلامی یافت شده از شوش، تعداد بسیاری از این نوع پلاکها وجود دارد. نقش متداول آنها، الهه حاصلخیزی در حالات مختلف و مظاهر آن است. بنظر می‌رسد، اینگونه پلاکها کاربرد مذهبی داشته و بر اساس سنتی رایج در آن زمان، این پلاکها، به عنوان اشیاء نذری به معابد اهداء می‌شده است.

وجود تعدادی از این پلاکها متعلق به دوران بعد از ایلامیها، بویژه در دوره پارت، نشانگر تداوم ساخت آنها، در این دوران است. با توجه به تحولات اجتماعی - مذهبی و سنتها، در هر دوره، نقش این پلاکها نیز تغییر یافته است. چنانکه در دوره پارتها، اغلب شامل نقوش اساطیری و خدایان مشهور یونانی و... می‌باشند. در این مقاله ضمن معرفی یکی از این پلاکها به بررسی آن پرداخته می‌شود.

توصیف پلاک

این پلاک که از شوش بدست آمده، در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. و از گل پخته برنگ نخودی روشن ساخته شده است. و به طول ۱۰ سانتی متر و عرض ۶ سانتی متر می‌باشد. بر روی این پلاک نقش برجسته زنی وجود دارد که در کنار شی ای (عودسوز) ایستاده است. جهت صورت او به سمت راست می‌باشد. موهای کوتاه و صاف او بر روی گوشش قرار دارد.

او پوشش شنل مانندی بر تن دارد. که قسمتی از دست چپ و پای راست را در بر گرفته است. و در جلوی بدن در بالای پای چپ جمع شده و با دست راست نگهداشته شده است. دست راست که کمی از بدن فاصله دارد و قوی و عضلانی نمایش داده شده، خارج از شنل قرار گرفته و به طرف عودسوز دراز شده است. چینهای شنل بویژه بر روی دست چپ و کنار پای راست بخوبی نمایش داده شده است.

عودسوز به شکل پایه‌ای مستطیل شکل می‌باشد که پایه آن به تدریج به طرف پایین بزرگتر شده است (تصویر شماره ۱).

بررسی تاریخی نقش پلاک

یکی از اعتقادات کهن پارسیان، پرستش و احترام به "آتش" و انجام مراسم خاص آن بوده است. وجود نقوش برجسته و آثار برجای مانده از دوران مختلف، تداوم این سنت را براساس دیدگاههای مذهبی رایج در هر دوره، نمایان می‌سازد. بر دخمه‌های منسوب به مادها، پادشاه و مغ در کنار آتشدان در حال انجام مراسم مذهبی نمایش داده شده‌اند. همچنین تعداد بسیاری آثار سنگی بویژه در منطقه فارس وجود دارد که برخی از آنها را آتشدان و برخی دیگر راستودان معرفی می‌کند (Huff, 1998, 78-81).

آثار موجود از دوره هخامنشیان، تداوم سنتهای قبل را در این دوره نمایان می‌سازد. همچنین در میان گزارشهای مورخین بویژه یونانیان، برخی به توصیف و تشریح لوازم و اشیائی پرداخته‌اند که ما را از وجود دیگر آئینهای مذهبی رایج در این زمان آگاه می‌سازد. آنها ضمن توصیف انواع ظروف درباری از جمله جامها، پیاله‌ها، به شرح عودسوزها (بخورسوزها) Thymiateira نیز می‌پردازند. (بریان، ص ۶۲۶، ۱۳۷۸) از اینرو

کننده صمغ‌های معطر نام می‌برند. (همان، ص ۱۴۹۸) و دیودور در مورد اهالی نباتیه می‌نویسد: آنها در میان تمام اقوام عرب که در بیابان‌ها به گله داری مشغول اند از همه ثروتمندتراند. تعداد زیادی از افراد این قوم صمغ‌های معطر، مُرمکی و مواد گران بهای معطره را که افرادی که از منطقه عربستان معروف به "خوشبخت" عبور می‌کنند، به آنها می‌دهند. به ساحل دریا می‌رسانند. (همان، ص ۱۴۹۷) و مورخین دیگر نیز اشاره می‌کنند که پ از تصرف شهر غزه توسط اسکندر، او با انبارهای پر از مواد صمغی معطر روبرو شد که آنها را برای خزانه دار خود فرستاده است. (همان، ص ۱۴۹۷).

بر اساس نقوش برجای مانده از دوره هخامنشیان می‌توان با فرم رایج عود سوزها در این زمان آشنا شد. در دو نقش برجسته مشابه یافت شده از خزانه تخت جمشید (یکی از آنها در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود). جزئیات عود سوزهای این دوره نمایش داده شده است. آنها که خیلی زیبا و استادانه ساخته شده‌اند، بنظر می‌رسد از جنس فلز باشند. (Schmidt, 1957, 94)

این عودسوزها دارای پایه‌های بلند استوانه‌ای شکل بوده و در رأس قسمت مخروطی شکل بالای آنها، درپوش قرار گرفته است. این قسمت و پایه عودسوزها با خطوط موازی افقی پوشیده شده است. و حفاصل آنها نیز، تزئینات برجسته‌ای وجود دارد. بر روی سرپوشها حفره‌های خروج دود، بصورت فلش‌هایی بطرف بالا مشخص شده‌اند. سرپوشها بوسیله زنجیر به بدنه عودسوزها متصل گردیده است. شکل زنجیرها در این دو نقش متفاوت می‌باشد و در یکی از آنها، زنجیر از حلقه‌های کوچک بیضی شکل بهم پیوسته تشکیل شده و نقش دیگر از حلقه‌های قلاب شکل (به شکل S) می‌باشد. (تصویر شماره ۲)

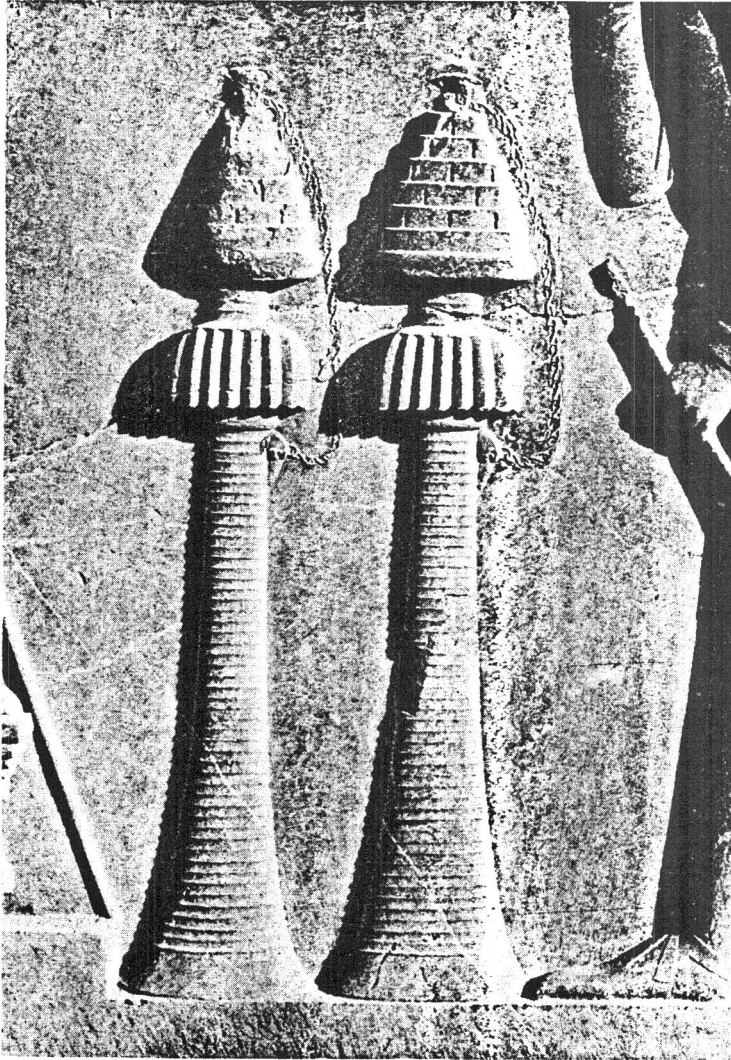
در بین ظروفی که توسط خدمتگزاران ملل تابع، در نقوش برجسته تخت جمشید حمل می‌گردد، ظروف سطل مانندی وجود دارد که سطح بدنه آنها نیز با خطوط موازی افقی تزئین شده گردیده و دارای دسته کوتاهی می‌باشند. برخی معتقدند این ظروف، محتوی عود و مواد خوشبو، جهت سوزاندن در عودسوزها می‌باشند. (Schmidt, 1957, 94) (تصویر شماره ۳)

بنظر می‌رسد انجام مراسم عبادی در مقابل آتش فروزان و سوزاندن عود و بخور در عودسوز، از سابقه دیرینی برخوردار



تصویر شماره ۱، پلاک گلی پارتی، شوش، موزه ایران باستان

بنظر می‌رسد سوزاندن مواد خوشبو و معطر در ظروف مخصوصی به نام عودسوز یا بخورسوز جهت مطبوع کردن هوا، و تطهیر آن از آلودگیها (و احتمالاً به قصد راندن ارواح ناپاک و خبیث) یکی از سنتهای متداول در دربار هخامنشیان بوده است. عود یا بخور (صمغ معطر) مورد نیاز درباریان، توسط اقوام تحت نفوذ امپراطوری هخامنشیان، اهداء می‌شده است. و یا بر اساس عقد قراردادهایی از مناطق دیگر وارد می‌گردیده است. چنانکه هروودت در این زمینه می‌نویسد، کمبوجیه با پادشاه عرب‌ها قراردادی منعقد کرد که آنان هر سال ۱۰۰۰ تالان صمغ‌های معطر تحویل می‌دادند. (همان، ص ۱۴۹۶) همچنین برخی از مورخین، پادشاه نباتیه را به عنوان حاکم مملکت تولید



تصویر شماره ۳، نقش برجسته تخت جمشید. (Shmidt, 1957, plate 69)



ویر شماره ۲، نقش برجسته تخت جمشید. (Shmidt, 1957, plate 69)

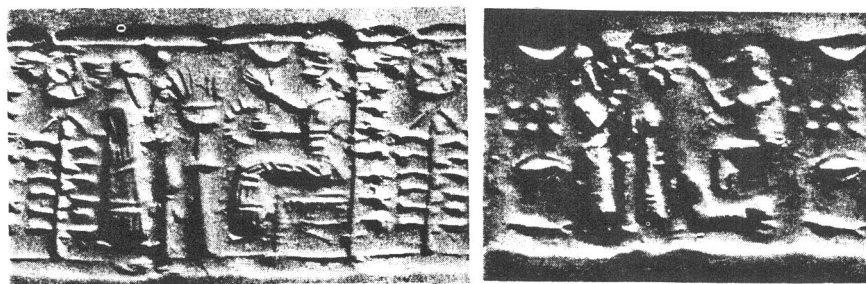
است، در کنار آن وجود دارد. (Teissier, 1989, p. 167, fig. 217, 222) (تصویر شماره ۵)

بر روی یک اثر مهر سیلندری متعلق به آشور نو یا بابل نو که از خزانه تخت جمشید یافت شده نیز نقش عبادت کننده با لباس بلند که در مقابل یک عودسوز ایستاده وجود دارد. (Wallenfels, 1994, p. 20)

نقوش برجسته آشوری نیز ما را با برخی از ظروف متداول در آن زمان آشنا می‌سازند. برخی از این نقوش سربازان آشوری را در حال حمل اشیاء غنیمت گرفته شده، نشان می‌دهند. در یکی از آنها، سرباز آشوری، ظرف فلزی پایه بلندی را بر دوش

است. بر روی مهرهای سیلندری و استامپی، بویژه مهرهای آشور و اروک این صحنه‌های آئینی بخوبی نمایش داده شده است.

یکی از نقوش متداول مهرهای آشور میانه، نمایش عبادت کننده‌ای است که لباس بلندی بر تن داشته و در مقابل آتشدان یا عودسوز ایستاده و دستهایش را به سوی آن دراز کرده است. (Wallenfels, 1994, p. 20) (تصویر شماره ۴) این نقش در دوره آشور جدید نیز ادامه یافته و اغلب در میان خدای بر تخت نشسته و عبادت کننده ایستاده، یک آتشدان با شعله‌های فروزان و شی کوچکتری شبیه به عودسوز، که قسمت بالای آن مخروطی شکل



تصویر شماره ۵، دو نمونه اثر مهر، آشور جدید. (Teissier, 1984, p. 166).



تصویر شماره ۴، نمونه هائی از اثر مهر، آشور میانه (Wallenfels, 1994, p. 20).



تصویر شماره ۷، نقش فرش بازیریک. (ضیاءپور، ۱۳۴۳، ص ۶۴)

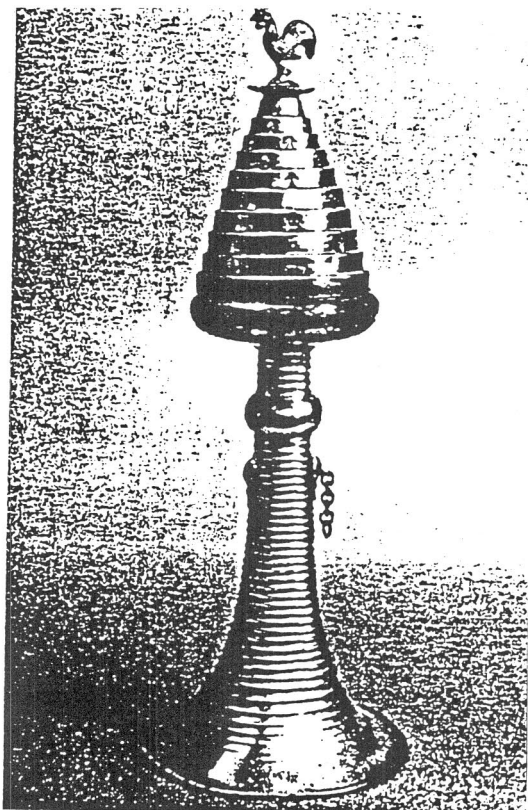
خود حمل می‌کند. تزئینات پایه و فرم آن یادآور عودسوزهای هخامنشی می‌باشد. (Hyslop, 1956, p. 153) (تصویر شماره ۶) علاوه بر نقوش برجسته تخت جمشید، نقش عودسوز بر روی مهرهای این دوره و همچنین بر فرش بازیریک به وضوح نمایش داده شده است. (ضیاءپور، ۱۳۴۳، ص ۶۴، شکل ۴۵) در تمامی آنها فرم کلی عودسوزها یکسان بوده و در برخی جزئیات متفاوت می‌باشند. این نقوش اهمیت استفاده از عودسوز را در این دوره مورد تأیید قرار می‌دهند. (تصاویر ۷ و ۸) همچنین در



تصویر شماره ۸، اثر مهر. (کنخ، ۱۳۷۷، ص ۲۸۳)



تصویر شماره ۶، نقش برجسته آشوری. (Hyslop, 1956, p. 153).



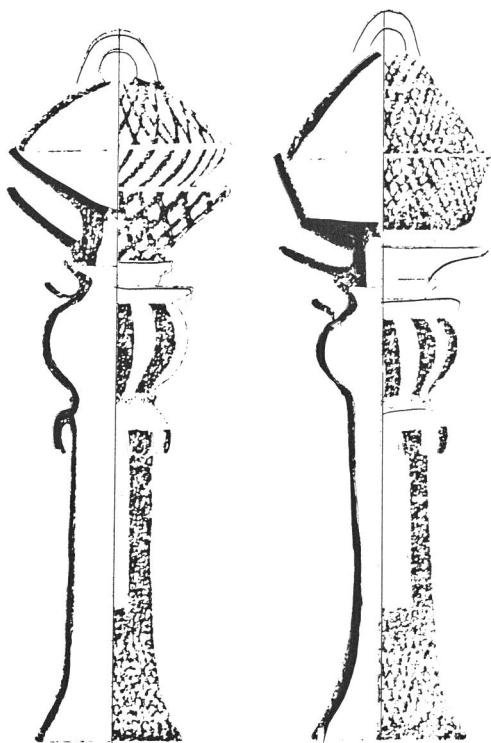
تصویر شماره ۹، عودسوز نقره. (Melikian, 1993, p. 112)

برخی از موزه‌های دنیا، نمونه‌هایی از اینگونه عودسوزها، وجود دارد. از جمله در موزه متروپولیتن، عودسوزی نگهداری می‌شده است که جنس آن از نقره بوده و شباهت بسیاری به نمونه‌های نقش شده در تخت جمشید دارد. این شباهت بویژه در قسمت مخروطی شکل و پایه آن قابل مشاهده است و فقط در برخی از تزئینات با آنها اختلاف دارند. یکی از نکات قابل توجه در مورد عودسوز نقره‌ای، آن است که بر روی پایه آن کتیبه‌ای به خط لیدیائی کنده شده است. که تاریخ ساخت آن را در نیمه اول قرن ششم قبل از میلاد مشخص می‌کند. (Melikian, 1993, p. 112, fig. 1-2) (تصویر شماره ۹)

در موزه قبرس نیز نمونه‌هایی از این عودسوزها وجود دارد. این عودسوزها سفالی هستند و از اطاقی که در آن محراب خدای عطر و عود قرار داشته در مینیکو (Meniko) بدست آمده است. این عودسوزها به خدای عطر و عود Baul Hamman اهداء شده است. این عودسوزها نیز متعلق به قرن ششم قبل از میلاد می‌باشد. (Karageorghis, 1982, p. 113, fig. 113A) (تصویر شماره ۱۰).

آثار تاریخی بجای مانده از دوره پارثیان، نشانگر اهمیت سنت سوزاندن بخور در مراسم عبادی می‌باشند. و بنظر می‌رسد یکی از رایج‌ترین آداب مذهبی در این دوره بوده است. در برخی از نقوش برجسته این دوره، ردیفی از عبادت کنندگان نقش شده‌اند و یکی از آنها در حال ریختن بخور در بخوردان می‌باشد. در این نقوش فرم عودسوزها متنوع بوده و تزئینات بکار رفته در آنها نیز متفاوت می‌باشند. بنظر می‌رسد برخی از آنها از فلز و برخی دیگر از سنگ ساخته شده‌اند.

عودسوزهای فلزی این دوره برخلاف نمونه‌های دوره هخامنشی فاقد درپوش می‌باشند. بدنه استوانه‌ای شکل آنها به تدریج به طرف پایین بزرگتر می‌گردد. این عودسوزها دهانه گشاد بوده و گاهی بر روی آن ظرف کاسه یا پیاله مانندی جای می‌گرفته و بخور در درون آن ریخته می‌شده است. اغلب آنها دارای دو یا سه پایه کوتاه می‌باشند. نمونه‌هایی از این گونه عودسوزها را می‌توان در نقاشی‌های دیواری با مضامین مذهبی که از این دوره باقی مانده مشاهده کرد. از جمله در نقاشی



تصویر شماره ۱۰، عودسوز سفالی (Karageorghis, 1982, p. 113)

گیاهان خوشبو و معطر بوده است. این قسمت نیز با تزئینات مختلفی آراسته شده است. نمونه‌ای از اینگونه عودسوزها، از الحضر، تاکسیلا، نوچرکک بدست آمده است. (کالج، ۱۳۵۶، ص ۲۷۳)

علاوه بر عودسوزهای فلزی ذکر شده، استفاده از انواع سنگی آن نیز، در این دوره مرسوم بوده است. چنانکه نمونه‌های متعددی از آنها در الحضر (هاترا) بدست آمده است. این عودسوزها، بصورت پایه‌های سنگی مکعب مستطیل شکلی می‌باشند که اغلب چهار سطح آنها، با نقوش گیاهی، انسانی و سمبل‌های مذهبی تزئین گردیده است. همچنین اغلب آنها دارای کتیبه‌هایی می‌باشند که نشانگر آن است، که این عودسوزها توسط افرادی به خدایان اهداء گردیده و وقف معابد آنها شده است. در برخی از کتیبه‌ها نام وقف کننده و تاریخ آن نیز ذکر شده

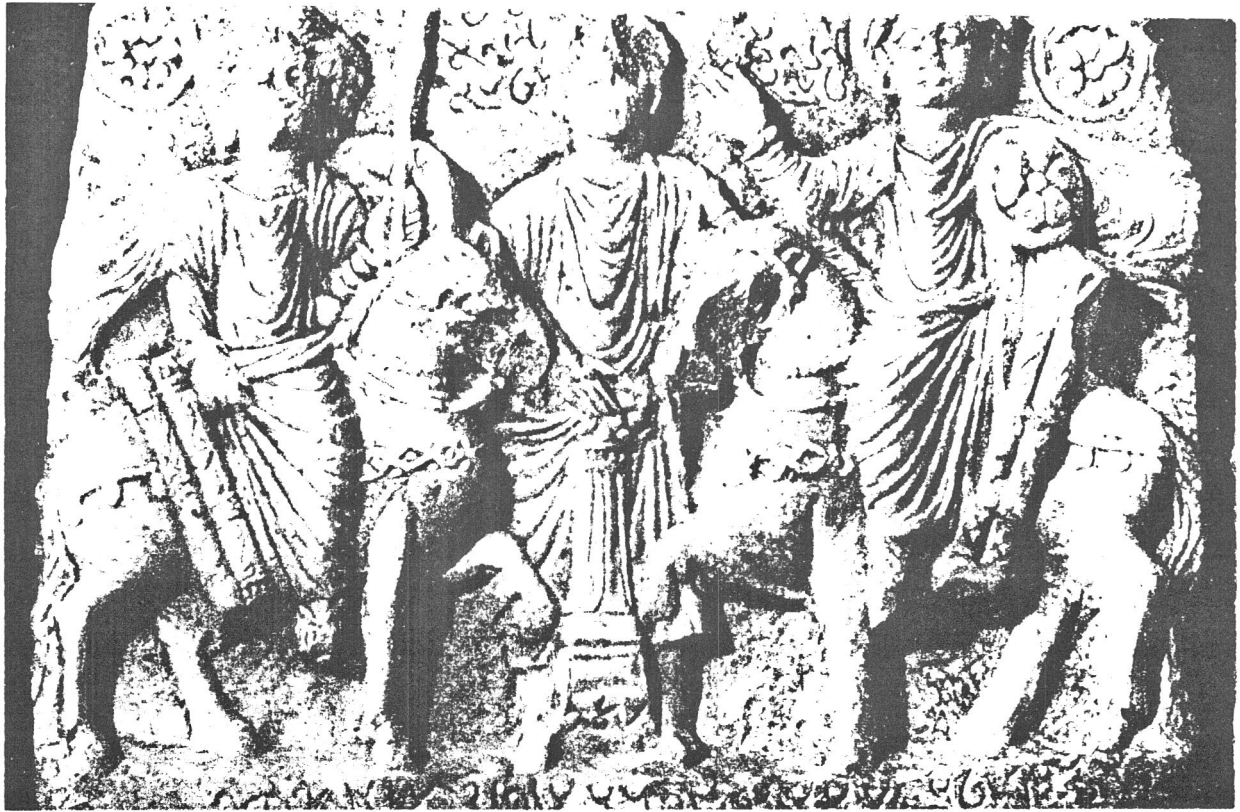


تصویر شماره ۱۱، نقاشی دیواری دوراروپوس. (گیرشمن، ۱۳۵۰، ص ۱۴۴)

دیوارهای جانبی تالار اصلی معبدی در دوراروپوس که در سال ۷۰ میلادی برای خدایان پالمیری ساخته شده است. در این نقوش دیواری، صفهای انبوهی از پرستندگان در حال ریختن بخور در بخوردان نقش شده است. (کالج، ۱۳۵۶، ص ۱۴۴) همچنین در نقاشی دیواری دیگری، خانواده معروف به کونون، در حال انجام مراسم مذهبی نمایش داده شده‌اند. در این نقش یکی از روحانیون با کلاه بلند و لباس بلند سفید، بزرگتر از دیگران تصویر شده و در حال ریختن گیاه مقدس با دست راست در درون بخوردان (عودسوز) است. (گیرشمن، ۱۳۵۰، ص ۴۷) (تصویر شماره ۱۱) در نقاشی دیواری دیگری از آشور نیز، یک مرد پارتی در حال ریختن بخور (با دست راست) در بخوردان، نمایش داده شده است. (همان، ۱۳۵۰، ص ۴۷)

علاوه بر نقوش دیواری، در نقوش برجسته حجاری شده نیز، می‌توان مراسم مشابهی را با نقوش دیواری مشاهده کرد. در نقش برجسته‌ای از دوراروپوس، کاهنی با کلاه مخروطی شکل در حال انجام مراسم مذهبی ریختن بخور در بخوردان، نمایش داده شده است. (کالج، ۱۳۵۶، تصویر ۶۷) همچنین در نقش برجسته‌ای از پالمیر عودسوز (یا آتشدان؟) در میان دو اسب سوار قرار گرفته و در پشت عودسوز شخص دیگری (احتمالاً در حال ریختن بخور) از روبرو نقش شده است. همچنین در نقش برجسته دیگری از پالمیر، در جلوی ردیفی از سربازان که از روبرو نقش شده‌اند، شخصی در حال ریختن بخور در عودسوز است. (گیرشمن، ۱۳۵۰، ص ۷۵) (تصاویر شماره ۱۲ و ۱۳)

بر روی یک کوزه سفالی یافت شده از آشور، نیز، نقش پرستندگان در حال ریختن بخور در عودسوز، نقش شده است. فرم این عودسوز شباهت بسیاری به عودسوز نقش شده در معبد دوراروپوس دارد. (کالج، ۱۳۵۶، ص ۹۲) (تصویر شماره ۱۴) برخی از عودسوزهای فلزی این دوره از فلزات گرانبهائی چون طلا ساخته شده و با سنگهای قیمتی تزئین گردیده‌اند. بر سطح اغلب این عودسوزها، تزئینات زیبایی با روش قلمزنی، ایجاد گردیده. این گونه عودسوزها، دارای دسته‌ای بلند و تزئینی، گاهی به شکل حیواناتی چون گربه وحشی و..... می‌باشند. این دسته تزئینی به ظرف کاسه ماندنی متصل گردیده که محل سوزاندن



تصویر شماره ۱۲، نقش برجسته بالمیر، (گیرشمن، ۱۳۵۰، ص ۷۵)



تصویر شماره ۱۳، نقش برجسته بالمیر، (گیرشمن، ۱۳۵۰، ص ۷۵)



تصویر شماره ۱۴، نقش روی کوزه، آشور (کالج، ۱۳۵۶، تصویر ۱۲)

برابر عودسوز وجود دارد. او در دست چپ خود کاسه‌ای را نگهداشته و دست راست را به طرف عودسوز دراز کرده است. (تصویر شماره ۱۹)

همچنین در نقش برجسته‌ای در تنگ سروک نیز شخصی در مقابل عودسوز در حال انجام مراسم مذهبی مشابهی می‌باشد. بر بالای یکی از مقابر صخره‌ای دهنواسحق وند، نیز نقش برجسته‌ای وجود دارد که در آن یک عبادتگر هخامنشی دستها را به سنت هخامنشیان در مقابل صورت بالا آورده است. در مقابل این نقش، صحنه کوچتری وجود دارد که در دوره بعد نقش گردیده است. در این صحنه مرد به سمت چپ ایستاده و در حال انجام مراسم مذهبی در برابر یک آتشدان و یک عودسوز است. فرم کلی این عودسوز مشابه نمونه‌های هاترا می‌باشد. خروج توده‌های دود در بالای آن بصورت فلش نمایش داده شده است. برخی این نقش را متعلق به اواخر پارت و یا ساسانی می‌دانند. (Huff, 1999, p.7) (تصویر شماره ۲۰)

با توجه به مطالب ذکر شده، بنظر می‌رسد سنت سوزاندن گیاهان خوشبو، قبل از هخامنشیان رایج بوده و پس از آن نیز ادامه یافته است.

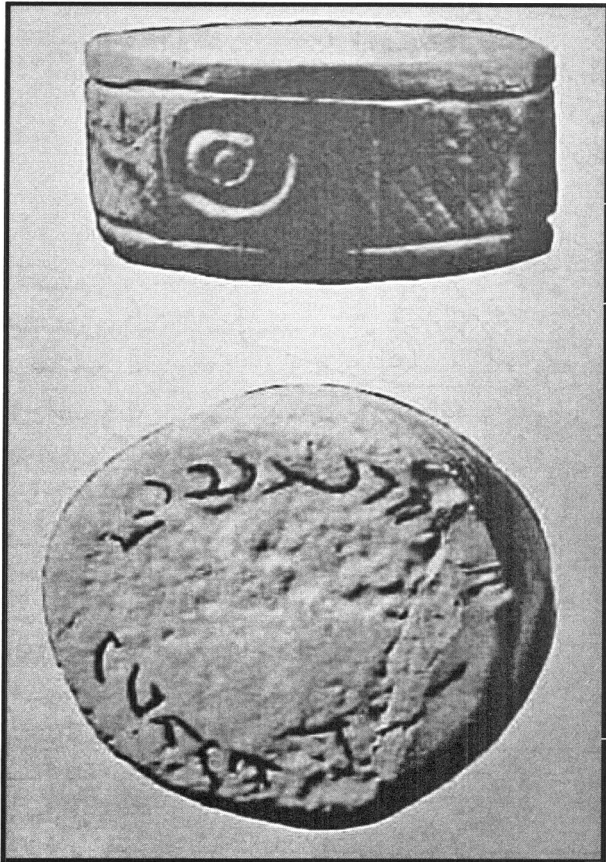
استفاده از عودسوز (بخوردان) های فلزی با بدنه استوانه شکل و سرپوش کوچکی در رأس آن، آنچنان که در نقوش برجسته تخت جمشید نقش شده است، با ایجاد تغییراتی در فرم و تزئینات، تا اواخر دوره پارت رایج بوده است.

نمونه‌های مشابه عودسوزهای هخامنشی از خارج از

است. در قسمت بالایی این عودسوزها حفره‌ای وجود دارد که ظرف مخصوص (فلزی) برای سوزاندن بخور و گیاهان معطر در آن جای می‌گرفته است.

مجسمه‌های سنگی زیادی نیز از الحضر (هاترا) بدست آمده است که برخی از آنان متعلق به کاهنن می‌باشند. در دست برخی از آنها کاسه‌ای وجود دارد که درون آن گیاه معطر و بخور، وجود داشته و شخص در حال برداشتن بخور از درون کاسه نمایش داده شده است. (سفر، ۱۳۷۶، تصویر ۲۵۶) شبیه به این کاسه‌ها، که ظرف مخصوص قرار گرفتن بخور بوده است، نیز از آنجا یافت شده است. نمونه‌ای از آن کاسه‌ای از سنگ مرمر است که سطح خارجی آن با نقوش هندسی کنده کاری شده و در کف آن کتیبه‌ای وجود دارد. (همان، تصویر ۲۰۸) (تصاویر شماره ۱۵ و ۱۶ و ۱۷) نمونه مشابه عودسوزهای سنگی در برخی نقوش برجسته این دوره نیز، دیده می‌شود. از جمله در نقش برجسته‌ای که از حیاط معبد بعل در پالمیر بدست آمده است. در این نقش برجسته، یک مرد و زن عبادت کننده که بصورت نیمرخ تصویر شده‌اند، در کنار مرد (کاهنی) می‌باشند که در حال ریختن بخور در بخوردان (عودسوز) است. هرچند، قسمت کمی از نقش این بخوردان باقی است ولی فرم کلی آن شبیه به بخوردانهای الحضر (هاترا) می‌باشد. (کالج، ۱۳۵۶، ص ۱۳۴) (تصویر شماره ۱۸)

همچنین در بیستون بر روی تخته سنگی که از صخره جدا شده، تصویر یک شخص پارتی در حال انجام مراسم مذهبی در



تصویر شماره ۱۶، ظرف بخور سنگی، معبد سوم حضر، (سفر، ۱۳۷۶، تصویر ۲۰۸)

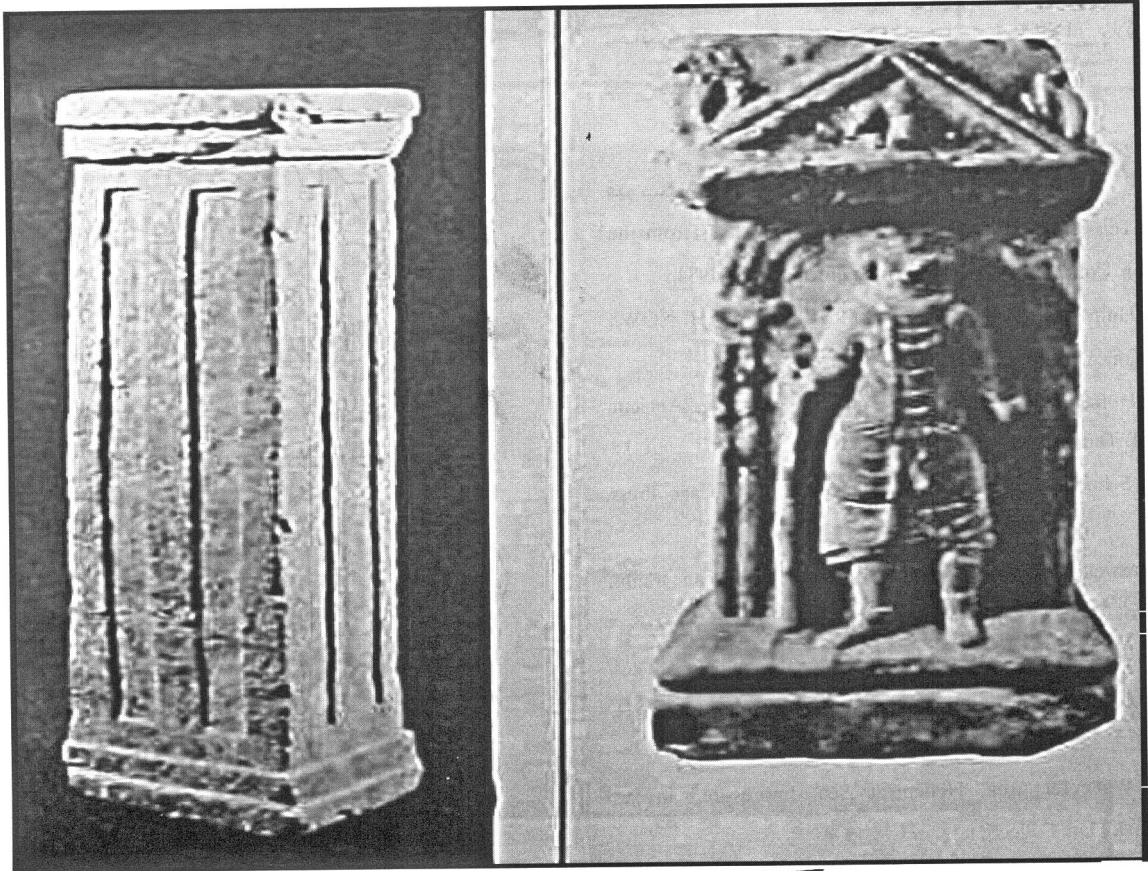
مرزهای فعلی ایران بویژه در ساتراپیهای تحت نفوذ هخامنشیان در آسیای صغیر یافت شده است.

با توجه به اینکه آثار پارتیان در ایران در مناطق محدودی شناسائی گردیده است، ولی وجود مجسمه‌ها، نقوش دیواری، حجاری‌ها در مناطقی چون الحضر، دورا، رویوس، پالمیر، بیانگر اهمیت اجرای آئین مذهبی سوزاندن بخور بویژه در اواخر قرن اول میلادی در این مناطق است.

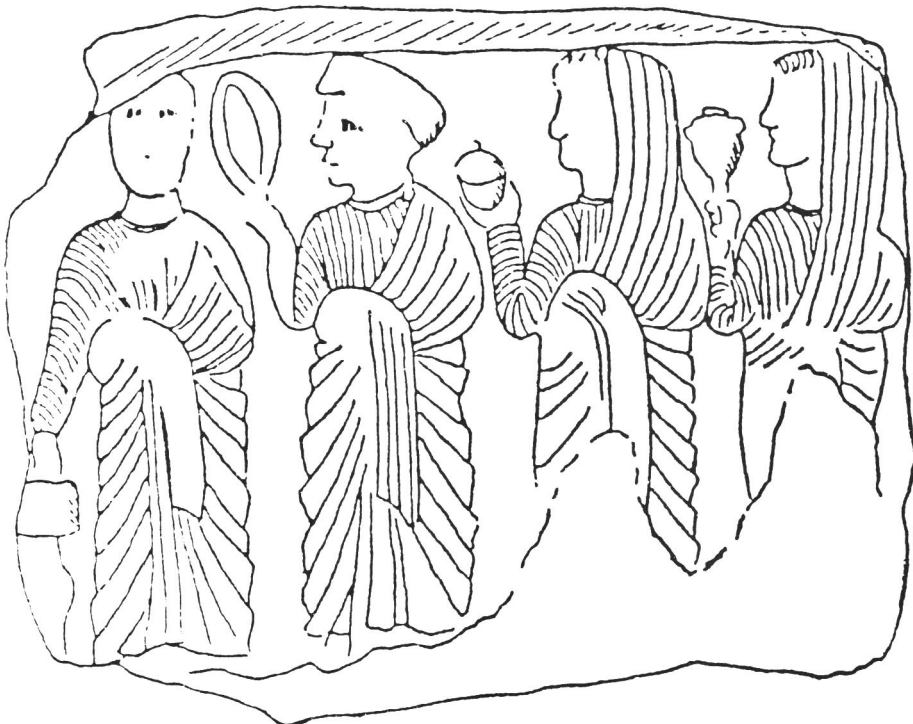
در اغلب این آثار، یک مرد (کاهن) در حال انجام مراسم مذهبی در مقابل عودسوز می‌باشد ولی در پلاک معرفی شده شوش این مراسم توسط یک زن، که لباسی به سبک یونانی بر تن دارد، در مقابل عودسوزی مشابه عودسوزهای سنگی هاترا، در حال انجام مراسم مذهبی است. از اینرو بنظر می‌رسد انجام اینگونه مراسم توسط زنان و مردان مذهبی صورت می‌گرفته است. و توجه به کتیبه موجود بر روی عودسوزهای هاترا (الحضر



تصویر شماره ۱۵، مجسمه سنگی کاهن، معبد ششم حضر، سفر، ۱۳۷۶، تصویر ۲۵۲



تصویر شماره ۲۱، نمونه‌ای از بخوردانهای سنگی، معبد سوم حضرات سنه ۱۳۷۶، تصدیق ۲۹ و ۲۱



تصویر شماره ۱۸، نقش برجسته با شیر کابل، ۱۳۵۶، تصویر ۴۴

نشانگر وقفی بودن عودسوزها می باشد، احتمالاً این پلاک نیز با چنین هدفی یا جهت اداء نذری ساخته شده است.

فهرست منابع

Beatrice, Teissier. Ancient Near Eastern Cylinder Seals from the Marcopoli Collection, University of California Press, 1984.

Dietrich, Huff. "Das "Medische" Grabrelief Von DEH NOW", Studia Iranica, Tome 28, 1999.

Dietrich, Huff. "Fire Alters' and Astodans', Ancient Persia, I.B. Tauris, 1998.

Erich, F. Schmidt. Persepolis II, The university of Chicago Press, 1957.

K.R. Maxwell, Hyslop. Urartian Bronzes in Etruscan tombs, IRAQ, vol XVIII, 1956.

Melikian, Chirvani. "The international Achaemenid Style", bulletin of the Asia Institute Iranian Studies In Honor of A.D.H. Bivar, vol.7, 1993.

Ronald, Wallenfled. uruk, Hellenistic Seal Impressions in the Yale Babylonian Collection, Band 19, 1994.

V, Karageorghis. Syprus from the Stone Age to the Romans, Thomes and Hudson, 1982.

- اریش. ف، اشمیت. تخت جمشید ۱، عبدالله فریار - محمدتقی مصطفوی، موسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵

- پی یر، بریان. تاریخ امپراطوری هخامنشیان. مهدی سمسار، ج ۱ و ۲، انتشارات زریاب، ۱۳۷۸.

- جلیل، ضیاء پور. پوشاک باستانی ایرانیان، انتشارات هنرهای زیبا، ۱۳۴۳.

- مالکوم، کالج. پارتیان، مسعود رجب نیا، انتشارات سحر، ۱۳۵۶.

- هایب ماری کخ، از زبان داریوش، پرویز رجبی، نشر کارنگ، ۱۳۷۷.



تصویر شماره ۱۹. نقش برجسته بیستون ۱ گورشن، ۱۳۵، تصویر ۱۶۶



تصویر شماره ۲۰. نقش برجسته مقبره صخره‌ای ده بو اسجن و.ا. (Huff, 1999, p.31)